

ماهیت و آثار طلاق توافقی در فقه و حقوق

الهام شریعتی* سیده فائزه صفدرزاده**

چکیده

طلاق توافقی از وقایع نوپدید در حقوق خانواده است که طبق آن زن و شوهر برای طلاق و حل و فصل تمامی وابستگی‌های مالی و مسائل مربوط به فرزندان مشترک برای رجوع به محکمه‌ی خانواده توافق می‌کنند. به دلیل آثار متفاوت انواع طلاق‌ها در روابط طرفین، شناخت ماهیت آنها اهمیت ویژه‌ای دارد. این پژوهش با روش کیفی و با مراجعه به مستندات فقهی و حقوقی، ماهیت طلاق توافقی را بررسی کرده است. در طلاق توافقی باید کراهت زوجه از زوج برای قاضی محرز شود؛ در این صورت، طلاق بائن و در غیر این صورت، حتی با وجود بذل فدیة، طلاق رجعی است؛ لذا قاضی باید کراهت زن از شوهر و یا ادامه‌ی زندگی با او را احراز و سپس گواهی عدم امکان صادر کند. نظر به اینکه احراز کراهت زوجه و یا زوجین در نوع و ماهیت طلاق مؤثر است، شایسته است قضات محترم و یا سردفتران طلاق به این موضوع توجه کنند و پیشنهاد می‌شود رویه‌ی جامعی در این مورد در دستور کار قرار گیرد که در صورت محرز نشدن کراهت زوجه از زوج و یا زوجین از یکدیگر، طلاق توافقی صادره از نوع رجعی ثبت شود تا براساس شرع اسلام حق رجوع برای زوج باقی بماند، زیرا حق رجوع در مواقعی با بازگشت زوج، مانع از هم گسیختگی شتابزده‌ی زندگی می‌شود.

واژگان کلیدی

طلاق توافقی، کراهت، رجعی، بائن.

* عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء (ع.ا.س.) (e.shariati@alzahra.ac.ir)
** کارشناس ارشد مطالعات زنان و نویسنده‌ی مسئول (sfsafdarzaseh@gmail.com)
تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۲۸

۱- مقدمه و بیان مسئله

خانواده در همه‌ی جوامع، اعم از صنعتی و پیشرفته تا جامعه‌ی در حال گذر از سنت، تغییر کرده و متحول شده است. تغییرات خانواده با تحولات اجتماعی تناسب دارد، چون نوگرایی تحولاتی را در جامعه برای مردان و زنان ایجاد کرده است. از آنجا که این دو (مردان و زنان) از تشکیل‌دهندگان اصلی خانواده هستند، در نتیجه خانواده هم متحول می‌شود (ساروخانی و قاسمی، ۱۳۹۱: ۲).

قرآن کریم به خانواده اهمیت بسیار داده و نسبت به خانواده به عنوان مرکز توجه احکام، حقوق، آداب و اخلاق اهتمام ویژه‌ای مبذول داشته و جایگاه آن را با آموزه‌ها و دستورهای متعدد تحکیم بخشیده است. حساسیت محیط خانواده و اهداف بلندمدت و مقدس آن اقتضا می‌کند که همسران بیشترین دقت را در رعایت حسن معاشرت با یکدیگر داشته باشند و از خانه فضایی سرشار از انس و ملامت بسازند، زیرا خداوند زن و مرد را هدفمند در کنار یکدیگر قرار داده است و کمال آن دو را در این آمیختگی و تشکیل خانواده تعبیه کرده است (رفسنجانی مقدم و محمدیان، ۱۳۹۴: ۱۰). برای تدوام خانواده هر یک از زوجین مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند. در واقع زن و مرد با نکاح داوطلب می‌شوند تا در غم و شادی با هم شریک باشند و این بدان معناست که روابطشان با خوشرویی و مسالمت و مهربانی آمیخته باشد و از اعمال و رفتاری که موجب ایجاد نفرت و ناراحتی طرف مقابل می‌شود و رابطه‌ی آنها را به سردی و جدایی می‌کشاند، بپرهیزند (ثمنی، ۱۳۹۰: ۶۳). شیوع روزافزون پدیده‌ی طلاق، سبب شده تا پژوهش‌گران و نظریه‌پردازان حوزه‌ی خانواده علل و عوامل تأثیرگذار در آن را بررسی علمی کنند.

بنابر مصالح خانواده و صیانت از آن و به‌خصوص اینکه در ازدواج، شوهر مسئولیت مالی سنگینی را می‌پذیرد، حق طلاق به شوهر داده شده است، اما با این حال نمی‌توان زنان را به زندگی مشترک با کسی مجبور کرد؛ از این‌رو، در نظام حقوقی مواردی مقرر شده است که زن بتواند به زندگی مشترک پایان دهد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۳۵).

شاید یکی از دلایلی که در گذشته درباره‌ی طلاق و پیامدهای آن کمتر سخن گفته شده است، این باشد که تعداد موارد طلاق به اندازه‌ی امروز نبوده است. در سال‌های اخیر، آمار طلاق در کشور افزایش داشته است. عوامل متعددی در گسترش طلاق نقش داشته‌اند. تغییرات اجتماعی و تحولات اخیر علاوه بر افزایش میزان طلاق، روش‌های انجام طلاق و حتی فرهنگ این موضوع را نیز دستخوش تغییر کرده است (بخارایی، ۱۳۸۶: ۱۱۲).

قانون‌گذار برای طلاق که باعث انحلال نکاح می‌شود، سیاست کنترلی و هدایت‌کننده اتخاذ کرده است، با این توضیح که موارد غیرضروری و عجولانه با تدوین برخی از قوانین خاص درصدد

مانع تراشی برای اعمال این حق توسط صاحب آن خواهد بود. با توجه به اینکه قانون گذار وظیفه‌ی حفظ نظم و سلامت اجتماع را در تمامی عرصه‌ها برعهده دارد، خود را موظف می‌داند تا در برابر سوءاستفاده‌های به‌عمل آمده و مخرب به‌پا خیزد و برای عقلانی کردن و تنظیم روابط، قوانین مقتضی تدوین کند که قانون حمایت خانواده از مهم‌ترین آنهاست (شریفی، ۱۳۹۳: ۴). پس از تصویب این قانون، عنوان توافق در طلاق وارد فضای حقوق خانواده شد تا در سایه‌ی آن آسیب‌های ناشی از مجادلات و درگیری‌های قانونی و خانوادگی کاسته شود، اما همچنان این سؤال مطرح است که چرا پس از گذشت سال‌ها، همچنان ماهیت طلاق توافقی در هاله‌ای از ابهام است؟ لذا بحث و بررسی دقیق و کارشناسانه درباره‌ی آن ضروری به‌نظر می‌رسد. در این باره گرچه تحقیقاتی انجام شده است، اما هیچ‌یک از آنها به صراحت ماهیت طلاق توافقی را بیان نکرده و یا به طور دقیق به بررسی فقهی و قانونی آن نپرداخته‌اند. محبی در پژوهشی با عنوان «طلاق توافقی؛ ماهیت و آثار» که از حیث عنوان و هدف بیشترین قرابت را با این پژوهش دارد، ضمن بیان ایرادات فراوان از نظر حقوقی به این نوع طلاق، تلاش کرده است که ضرورت رسیدگی به این موضوع را در قالب نتیجه‌ی کار بیان کند. بنابراین به قطعیت ماهیت طلاق توافقی را تبیین نکرده است (محبی، ۱۳۹۱). کریمی‌نیا در مقاله‌ی دیگری با عنوان «طلاق توافقی از گذشته تاکنون با توجه به قوانین» سعی در پاسخ‌گویی به این سؤال بوده است که ماهیت گواهی عدم امکان سازش چیست و در طلاق توافقی چه جایگاهی دارد، اما از نظر فقهی این مسئله را بررسی نکرده است (کریمی‌نیا، ۱۳۷۷). پناهنده در مقاله‌ی دیگری با عنوان «بررسی ماهیت حقوقی و عناصر و ارکان طلاق خلع و مبارات» نیز با وجود بررسی مباحث فقهی طلاق خلع و مبارات به‌طور مشخص بحث طلاق توافقی و ماهیت آن را تبیین نکرده است (پناهنده، ۱۳۸۶). پژوهش پیش رو تلاش می‌کند با روش کیفی و از طریق تحلیل محتوا، ضمن توجه به مبانی فقهی طلاق، درصدد پاسخ به این دو سؤال است که ۱- طلاق توافقی در نظام حقوقی اسلام چه ماهیتی دارد؟ ۲- بسته به ماهیت طلاق توافقی چه آثاری مفروض است؟

۲- طلاق در لغت

طلاق به معنای آزادکردن از قیدوبند است و به‌صورت استعاره در رهاکردن زن از قیدوبند ازدواج استعمال شده است (قرشی بنایی، ۱۳۷۱: ۲۳۱). طلاق رهایی و خالی‌شدن از پیوند و عهد و پیمان است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳۵۱). در زبان عرب، طلق را به باب تفعیل می‌برند و معنای رهایی و طلاق دادن را می‌دهد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۸۷). طلاق به معنای تطلیق است؛ مثل سلام به

معنای تسلیم و کلام به معنای تکلیم (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۲۵). برای واژه‌ی طلاق معنای متعددی از جمله رهایی، آزادکردن، ترک کردن و وا گذاشتن ذکر شده است (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۳۸۰).

۳- طلاق در اصطلاح

طلاق به معنای پایان دادن به پیوند ازدواج است و مانند ازدواج با خواندن صیغه انجام می‌شود، اما برخلاف ازدواج، جزء ایقاعات است؛ یعنی یک‌طرفه است و تنها از سوی مرد انجام می‌شود (مشکینی، ۱۴۳۱: ۹۷). واژه‌ی طلاق در اصطلاح شرعی عبارت است از ازاله‌ی قید نکاح بدون عوض با صیغه‌ی طلاق و شبه آن (نجفی جواهری، ۱۹۸۱: ۲). عاملی نیز طلاق را به زائل کردن قید و پیوند نکاح با صیغه‌ی مخصوص تعریف کرده است (عاملی، ۱۴۱۰: ۱۱). ذکر قید صیغه‌ی مخصوص در این تعریف به این دلیل است که تعریف فسخ نکاح از تعریف طلاق خارج شود، زیرا در مواردی که عقد نکاح به علت تدلیس و یا عیب فسخ می‌شود، دیگر نیازی به صیغه‌ی مخصوص نیست. گاهی در تعریف طلاق، قید به‌غیر عوض را نیز اضافه کرده‌اند تا طلاق خلع و مبارات را از طلاق مطلق متمایز و جدا کنند. بنابراین طلاق یعنی انحلال عقد نکاح دائمی با صیغه‌ی مخصوص و رعایت تشریفات ویژه (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۳۸۰). مطابق قانون مرد هر زمان که بخواهد می‌تواند زن خود را طلاق دهد، این حق از حق ریاست زوج بر پیمان زناشویی و زندگی مشترک ناشی و از حقوق انحصاری مرد محسوب می‌شود که در زمره‌ی قواعد آمره و الزامی است و در حدیث نبوی «الطَّلَاقُ بَيِّدٌ مِّنْ أَخَذَ بِالسَّاقِ» (نوری، ۱۳۲۱: ج ۳، ص ۸؛ عاملی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۲۴۰) بر آن تصریح شده است (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۲). برخی از حقوق دانان معتقدند: «طلاق ایقاعی تشریفاتی است که به موجب آن مرد، به اذن یا حکم دادگاه، زنی را که به‌طور دائم در قید زوجیت اوست رها می‌کند» (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۷۳). از این تعریف خصوصیات استنباط می‌شود که به‌نوعی وجود هر کدام شرط لازم برای تحقق طلاق است:

- الف- ایقاع بودن طلاق و اینکه تنها با قصد و اراده‌ی یک نفر که در اینجا مرد یا نماینده‌ی قانونی اوست، تحقق می‌یابد؛
- ب- طلاق تشریفات دارد و باید با صیغه‌ی طلاق در حضور حداقل دو نفر مرد عادل جاری شود؛
- ج- اراده‌ی شوهر واقع‌کننده‌ی طلاق است و در مواردی مانند طلاق همسر غائب، دادگاه به نمایندگی از طرف زوج طلاق را جاری می‌کند؛
- د- طلاق با حکم دادگاه واقع می‌شود. این اذن دادگاه با عنوان گواهی عدم امکان سازش در قانون ذکر شده است؛

ه- فقط انحلال نکاح دائم نیاز به جاری شدن صیغه‌ی طلاق دارد، زیرا انحلال نکاح منقطع با بذل مدت از طرف شوهر یا با اتمام مدت انجام می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۷۵-۲۷۳).

از نظر ماهیت حقوقی، در فقه اسلامی و قانون مدنی، طلاق یک ایقاع است که از سوی مرد یا نماینده‌ی او واقع می‌شود. حتی در مواردی که طلاق براساس توافق زوجین و به صورت خلع یا مبارات انجام می‌شود، یک عمل حقوقی یک‌جانبه (ایقاع) است، زیرا توافق زوجین که شرط یا انگیزه‌ی طلاق است، غیر از خود آن است و طلاق -یعنی آخرین عملی که با اجرای صیغه محقق می‌شود و نکاح را منحل می‌کند، در هر حال یک عمل حقوقی یک‌جانبه (ایقاع) است و ناشی از اراده‌ی طرفین نیست (صفایی و امامی، ۱۳۸۶: ۲۵۶). مطابق حدیث نبوی «الطلاق بید من اخذ بالساق» (نوری، ۱۴۰۸: ۳۰۶)، طلاق ایقاعی است که به طور یک‌طرفه از جانب زوج انجام می‌شود. حتی در مواردی که مطابق ماده‌ی ۱۱۳۰ ق.م. حق طلاق به علت عسرو حرج به زوجه داده شده است، حاکم ولی ممتنع از طرف زوج است و طلاق را واقع می‌کند. همچنین در مواردی که مجوز طلاق پیرو یک یا چند شرط از شروط ضمن عقد نکاح داده شود، در واقع، زوج حق انحصاری خود را برای طلاق، در هنگام انعقاد نکاح با احراز شرایطی به زوجه واگذار کرده و زوجه به وکالت از زوج این حق را اجرا می‌کند (اسدی، ۱۳۸۳: ۱۱۵). در ایقاعات، اصل بر رضایت ایقاع‌کننده است و اثر اراده‌ی وی در مرتبه‌ی اول اهمیت دارد. بنابراین اجرای طلاق توافقی بدون حضور زوج، ظاهراً با اصل فوق معارض است. در طلاق توافقی، زوجین در انحلال عقد نکاح با شرایط پذیرفته‌شده با یکدیگر توافق می‌کنند و اجرای صیغه‌ی طلاق از سوی زوج و یا وکیل وی انجام می‌شود و توافق زوجین مقدمه‌ای برای رسیدن به آن است. از آنجا که معمولاً در طلاق توافقی، زوجه ایفای کامل حقوق خود از جمله نفقه‌ی دوران عده را مطالبه می‌کند، قطعیت اثر صیغه‌ی طلاق را می‌توان محدود به انقضای مدت عده فرض کرد تا بدین ترتیب زوج بتواند از تصمیم خود رجوع کند. به نظر می‌رسد، پذیرش این فرض برای جلوگیری از انحلال کامل خانواده مناسب‌تر است و از منظر مقصدشناسی شارع نیز منوط‌دانستن قطعیت اثر صیغه‌ی طلاق به سپری شدن مدت عده به اصول و مبانی استحکام خانواده نزدیک‌تر است.

۴- طلاق توافقی

در طلاق توافقی زوج و زوجه پس از اینکه قادر به ادامه‌ی زندگی مشترک نباشند، با تنظیم دادخواستی مشترک با امضاء طرفین و با قید کلمه‌ی «طلاق توافقی» در ستون تعیین خواسته از دادگاه محترم تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش به صورت توافقی می‌کنند. قاعده بر این

است که اسامی زوجین با هم در ستون خواهان و توافقات به عمل آمده در مورد مهریه، نفقه و حضانت فرزند مشترک در صورت وجود آن و حقوق دیگر زوجه در متن دادخواست ذکر می‌شود. با توجه به توافق زوجین در طلاق توافقی، صدور حکم زمان زیادی طول نخواهد کشید و دادگاه ضمن جلب نظر داور به منظور اصلاح ذات‌البین و موفق نبودن ایشان در این خصوص حکم را صادر کند. در واقع ارکان اصلی طلاق توافقی عبارت است از توافق مقدماتی، گواهی عدم امکان سازش و اجرای صیغه‌ی طلاق.

قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱ اجرای گواهی عدم امکان سازش که براساس توافق زوجین صادر شده است، را به رضایت زوج به اجرای آن منوط کرده است (اسدی و شکری، ۱۳۹۴: ۴۷۱). به این معنا که با وجود توافق در صدور حکم طلاق، باز هم این زوج است که بایستی به امر طلاق مبادرت کند و این به علت ایقاعی بودن اصل طلاق است.

قانون مدنی به تبعیت از احکام فقهی از طلاق توافقی نام نبرده است، بلکه اعطای اختیار طلاق زن از جانب مرد و نیز اجازه گرفتن طلاق (قضایی) در موارد خاص برای زن درج شده است؛ از جمله ترک نفقه، سوء‌معاشرت، امراض مسریه و... که همگی را می‌توان جزء عسرو حرج قرار داد (صفایی و امامی، ۱۳۸۶: ۱۷۷).

طلاق توافقی به خصوص در مواردی که زوجین فرزند مشترک دارند، توصیه می‌شود. این نوع طلاق می‌تواند به وضعیت مطلوب‌تر فرزندان کمک کند، زیرا در سایر طلاق‌ها کشمکش و جدال والدین بر سر احقاق حقوق مالی و غیرمالی آن‌دو در جریان فرایندهای قانونی، کودکان طلاق را به تعارض‌های شدید مبتلا می‌کند.

۴-۱- وضعیت طلاق توافقی

روند رشد فزاینده‌ی طلاق در سال‌های اخیر و نگرانی جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و مسئولین کشور از انحلال روزافزون خانواده‌ها باعث شد که پژوهشگران درباره‌ی علل و عوامل ایجاد طلاق، تحلیل قوانین و مقررات موجود و میزان بازدارندگی از طلاق و زمینه‌سازی و تسهیل وقوع آن، بیش از پیش، تحقیق و بررسی کنند.

پژوهش‌ها حاکی از نسبت بالای تعداد طلاق توافقی در مقایسه با طلاق غیرتوافقی است، به طوری که حدود دو سوم از تقاضاهای طلاق از نوع توافقی است. مطالعات نوعی تغییر نگرش در میان افراد متقاضی طلاق توافقی را نشان می‌دهد، به طوری که افراد دیگر طلاق را امری مذموم نمی‌دانند. همچنین مطالعات نشان می‌دهند که علاوه بر انجام سریع‌تر و آسان‌تر طلاق توافقی،

متقاضیان این نوع طلاق حمایت اجتماعی بیشتری می‌شوند (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۳). در سال ۱۳۸۵، معاون وقت قوه قضائیه اعلام کرد که ۸۲ درصد طلاق‌ها را طلاق‌های توافقی تشکیل می‌دهند. این روند، طی این سال‌ها در استان‌ها و شهرهای مختلف با نسبت‌های مختلف مشاهده شده است. به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۹۳، تعداد ۱۶۴,۱۶۲ مورد طلاق توافقی در کشور ثبت شده است. در سال ۱۳۹۴ این آمار، ۷۴۱,۱۶۳ مورد بود که کاهش ۰/۳ درصدی داشت. در ده ماهه‌ی نخست سال ۱۳۹۳ تعداد ۳۵۳,۱۳۸ واقعه‌ی طلاق در کشور ثبت شد که از این تعداد، ۵۳۳,۱۰۵ مورد طلاق توافقی بوده است. آمار طلاق توافقی در تهران بیشتر از سایر استان‌ها برآورد شده است؛ به‌گونه‌ای که براساس آمار رسمی سازمان ثبت احوال استان تهران، سالانه بیش از ۳۰ هزار نفر در تهران از یکدیگر جدا می‌شوند که حدود ۲۷ هزار مورد از این طلاق‌ها یا به‌عبارت دیگر بیش از ۹۰ درصد از آنها، طلاق توافقی است (مهرخانه ۹۶/۴/۱۱).

رشد روزافزون آمار طلاق‌های توافقی باعث نگرانی‌هایی شد. به‌ویژه اینکه بررسی‌ها نشان می‌داد درصد چشمگیری از این طلاق‌ها به دلیل مشکلات اساسی نبوده و بیشتر ناشی از فقدان مهارت‌های لازم برای زندگی زناشویی و رفع تنش‌های معمول‌اند.

با ورود طلاق توافقی به فرهنگ حقوقی ایران،^۱ نقصانی اساسی در اختیارات مطلق و انحصاری مرد در طلاق ایجاد شد. پس از انقلاب اسلامی این قانون که مغایر مقررات فقهی به حساب می‌آمد، به بوته‌ی فراموشی سپرده شد، تا آنکه با قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق در سال ۱۳۷۱ دوباره وارد حقوق خانواده شد (مجبی، ۱۳۹۱: ۵۸). این نهاد حقوقی در کشور ما به سادگی پذیرفته شد، زیرا در قانون مدنی، شوهر می‌تواند هر زمان که اراده کند زن خود را طلاق دهد و در حقوق و احکام اسلامی نیز فقط شوهر در این‌باره تصمیم می‌گیرد. پس در موردی که زوجین درباره‌ی لزوم طلاق به توافق می‌رسند، سنت‌های اخلاقی و مذهبی مانعی برای جدایی آنها ایجاد نمی‌کند (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۳۷۱).

قانون برای پیشگیری و رفع این پدیده قوانینی وضع کرده است؛ از مهم‌ترین اقدامات قانون‌گذار قبل و بعد از انقلاب لزوم ارجاع تمام اختلافات خانوادگی همچون طلاق به دادگاه خانواده بوده

۱. در قوانین حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ و ۱۳۵۳ به مبحث توافق در طلاق پرداخته شده بود: ماده‌ی ۹ قانون حمایت خانواده ۱۳۴۶: «در مواردی که برای طلاق بین زن و شوهر توافق شده باشد طرفین باید توافق خود را به دادگاه اعلام کنند و دادگاه گواهی عدم امکان سازش را صادر خواهد کرد...». ماده‌ی ۸ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳: «در موارد زیر زن و شوهر می‌توانند از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش کنند و دادگاه در صورت احراز آن موارد گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد: ۱- توافق زوجین برای طلاق ۲-...»

است (شریفی، ۱۳۹۳: ۴). براساس ماده‌ی ۱۱۳۳ قانون مدنی^۱ مرد هر وقت می‌خواست می‌توانست زن خود را طلاق دهد. از این‌رو قانون‌گذار درصدد محدودکردن اختیار مرد برآمد و به موجب قانون حمایت خانواده به دادگاه‌ها اختیار داد که فقط در موارد خاصی به درخواست زن یا شوهر یا با توافق آنها گواهی عدم امکان سازش برای طلاق صادر کنند (صفایی و امامی، ۱۳۸۶: ۲۰۱).

ماده‌ی ۱۱ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ نیز از ابتکارات حقوقی این قانون بود. مطابق این ماده «دادگاه می‌تواند به تقاضای هریک از طرفین در صورتی که صدور گواهی عدم امکان سازش مستند به سوء رفتار و قصور طرف دیگر باشد، او را با توجه به وضع و سن طرفین و مدت زناشویی به پرداخت مقرری ماهانه‌ی متناسبی در حق طرف دیگر محکوم نماید مشروط به اینکه عدم بضاعت متقاضی و استطاعت طرف دیگر محرز باشد». این مفهوم و نهاد جدید مبتنی بر شرایط ذکر شده در قانون یعنی طلاق‌هایی که به درخواست یکی از زوجین یا مبتنی بر سوءرفتار و قصور طرف دیگر و یا مرض صعب‌العلاج یا جنون همسر، مبتنی بر درخواست از دادگاه برای تعیین مقرری و براساس عدم بضاعت یک طرف و استطاعت طرف دیگر بود و می‌توانست شامل هم مرد و هم زن بشود (احمدیه و جعفرپور، ۱۳۸۰: ۴۱). گرچه قانون دوم حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ پاره‌ای از اشکالات و ابهامات پیشین درباره‌ی طلاق را از میان برد؛ لیکن موجبات طلاق را گسترش داد (صفایی و امامی، ۱۳۸۶: ۲۰۱).

ماده‌ی ۲۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ به عنوان آخرین مصوبات در ارتباط با حقوق خانواده مقرر می‌دارد: «ثبت طلاق و سایر موارد انحلال نکاح و ... پس از صدور گواهی عدم امکان سازش یا حکم مربوط از سوی دادگاه مجاز است.» با وصف تمام تلاش‌های قانونی فوق، در برخی مواقع قانون‌گذار از موضوع طلاق توافقی و نظارت بر آن غفلت کرده است.^۲ امروزه، همین موضوع عاملی مؤثر در افزایش چشمگیر آمار طلاق بوده است، به‌گونه‌ای که زوجین برای اینکه وادار به انجام تشریفات طولانی و مشقت‌بار برای اخذ طلاق نگردند، با استناد به توافق انجام شده بر موضوع، طلاق خود را از طی مراحل قانونی معاف می‌کنند. همین شرایط در مقررات توافقی، سبب شده تا امروزه به جولانگاهی برای افراد نامعقول و بی‌تدبیر در سوءاستفاده از آن و متلاشی نمودن بنیان خانواده مبدل شود (شریفی، ۱۳۹۳: ۵).

۱. ماده‌ی ۱۱۳۳ قانون مدنی: «مرد می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در این قانون با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش را بنماید».

۲. عنوانی که خود، مبتکر آن در سال ۱۳۴۶ در قانون حمایت خانواده بود.

ناگفته نماند که پیش‌بینی طلاق توافقی در ایران به معنای تسهیل امر طلاق نبود، بلکه با توجه به طولانی بودن مراحل طلاق در دادگاه‌ها و تنش‌ها و اختلافاتی که در این دوره به وجود می‌آمد و سبب آسیب‌های جدی روحی و روانی به خانواده‌ها و فرزندان آنها می‌شد، قانون‌گذار این امکان را به وجود آورد تا در شرایطی که ادامه‌ی زندگی مشترک امکان نداشته باشد و به مصلحت هیچ‌یک از طرفین نباشد، برای جلوگیری از آسیب‌ها، زوجین بتوانند از این امکان استفاده کنند. طلاق اگرچه ایقاعی در اختیار مرد است، اما زوج می‌تواند برای اجرای طلاق با زوجه به مصالحه برخیزد و زوجه با بذل قسمتی از حقوق مالی خود (مهریه، جهیزیه، نفقه) یا مال دیگری، وی را به اجرای صیغه‌ی طلاق راضی کند. در این نوع طلاق طرفین، توافق خود را بر شرایط مالی (مهریه، جهیزیه، نفقه ایام عده و نفقه‌ی معوقه) و غیرمالی (حضانت فرزندان یا ملاقات آنها) طلاق به محضر دادگاه تقدیم می‌کنند تا دادگاه گواهی عدم امکان سازش را صادر کند. اجرای این نوع طلاق با مشکلات فراوانی مواجه است، زیرا از یک‌سو، حق طلاق با مرد است و از سوی دیگر، دلیلی به عنوان استثنای بر این اصل از باب ولایت حاکم بر زوج ممتنع وجود ندارد تا قاضی را به اجرای صیغه‌ی طلاق از ناحیه‌ی زوج مجاز کند (اسدی، ۱۳۸۳: ۱۲۱).

۹۷

در جلسه‌ی رسیدگی دادگاه، اگر زوجین به اتفاق درخواست طلاق خلع را مطرح کنند و زوج حاضر باشد برای اجرای صیغه‌ی طلاق به زوجه وکالت بلاعزل بدهد، دادگاه نیز در متن حکم گواهی عدم امکان سازش، ضمن عقد خارج لازم از سوی زوج، به زوجه وکالت بلاعوض می‌دهد که برای اجرای صیغه‌ی طلاق به یکی از دفاتر طلاق مراجعه و خود را به طلاق خلعی مطلقه کند. در حال حاضر، رویه‌ی دادگاه‌ها نیز در صدور گواهی عدم امکان سازش - که بنا به خواسته‌ی زوجین صورت می‌گیرد- به همین منوال است و حکمی که به این شکل صادر می‌شود، به لحاظ اینکه زوج دیگر نمی‌تواند از آن عدول کند و پشیمان شود، به نفع زوجه خواهد بود. بنابراین در این حالت زوجه باید از طریق توافقی که با زوج کرده است، مبلغی ولو اندک به او بدهد.

ماده‌ی ۲۷ قانون حمایت خانواده جدید^۱ به نوعی متقاضیان طلاق توافقی را از ارجاع به داورى معاف کرده و همین امر باعث تسهیل در روند قضایی این نوع طلاق شده است. آمارها نشان می‌دهد، قوانین موجود در طلاق توافقی به نوعی هدایت‌کننده‌ی زوجین به درخواست چنین نوعی از طلاق است. شاید به ذهن یک محقق علوم اجتماعی این‌گونه خطور کند که قانون‌گذار در

۱. ماده‌ی ۲۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱: «در کلیه موارد درخواست طلاق، به جز طلاق توافقی، دادگاه باید به منظور ایجاد صلاح و سازش موضوع را به داورى ارجاع کند. دادگاه در این موارد باید با توجه به نظر داوران رأی صادر و چنانچه آن را نپذیرد، نظریه داوران را به ذکر دلیل رد کند».

پی کاستن از فرایندهای پربپیچ و خم قضایی پیش‌روی زوجینی است که در زندگی خود به بن‌بست رسیده‌اند، به‌خصوص در مواقعی که کراهت در یکی از طرفین و یا در حالت وخیم‌تر دوطرفه باشد، اما متأسفانه بسیاری از زوجینی که به دلایل سطحی و یا مشکلات و مسائل حل‌شدنی تصمیم به جدایی می‌گیرند، به خاطر فرار از سختی‌ها و مشکلات فرایندهای قضایی، طلاق توافقی را انتخاب می‌کنند. درحالی که این طلاق در مواردی که کراهتی از طرف زوج وجود ندارد، باعث پامال شدن حق او در دریافت حقوق خود از جمله مهریه، اجرت‌المثل و ... می‌شود؛ چرا که ناچار است برای حصول توافق از آنها چشم‌پوشی کند.

باید منصف بود که تلاش قانون‌گذار در محدود کردن موجبات طلاق زمانی مؤثر است که یکی از دو همسر خواهان حفظ پیوند زناشویی باشد و در دادرسی نسبت به پذیرش درخواست طرف خود مقاومت کند، ولی جایی که محبت وجود ندارد و زوجین به این نتیجه رسیده‌اند که نباید زندگی مشترک را ادامه دهند، منع قانون‌گذار سدی در راه اجرای خواسته‌ی آنها ایجاد نمی‌کند (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۳۷۱). با این حال ماده‌ی ۲۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در مورد طلاق توافقی مقرر می‌دارد، متقاضیان چنین طلاق‌ی بایستی به وسیله‌ی دادگاه به مراکز مشاوره‌ی خانواده ارجاع شوند. حتی طرفین طلاق می‌توانند از ابتدا تقاضای خود را در این مراکز مطرح کرده و در صورت منصرف نشدن از طلاق، مرکز مشاوره‌ی خانواده موضوع را با مشخص کردن موارد توافق برای اتخاذ تصمیم نهایی به دادگاه منعکس کند.

بدین ترتیب زوجین حقوق یکدیگر را در محدوده‌ی یک قرارداد، معاوضه یا مبادله می‌کنند. اثر این قرارداد تحقق عمل حقوقی یک طرفه به نام طلاق از جانب مرد است و البته سقوط حق رجوع وی به زن در ایام عده است (مجبی، ۱۳۹۱: ۵۹).

۴-۲- ماهیت طلاق توافقی

طلاق توافقی در شرایطی که ادامه‌ی زندگی به مصلحت یک و یا هیچ‌یک از زوجین نیست، مصداق بارزی در رعایت قاعده‌ی «امساک بمعروف أو تصریح باحسان»^۱ است؛ بدین معنا که یا باید به صورت عرف و معمول زندگی عادی را به خوبی ادامه داد یا زوجین بدون ایجاد زحمت و مزاحمت برای یکدیگر، از هم جدا شوند (نیازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱)، اما از آنجا که اساس جدایی زن و مرد، کراهت مرد، زن و یا هر دوی ایشان از یکدیگر است، این سؤال مطرح می‌شود که طلاق

۱. بقره: ۲۲۹؛ «به نیکی نگه داشتن یا به احسان رها ساختن»

توافقی در کدام دسته از طلاق‌ها وجود دارد؟ به تعبیر دیگر ماهیت طلاق توافقی رجعی است و یا بائن و اگر بائن است خلع است یا مبارات؟

در پاسخ به سؤال فوق برخی از محققین چنین استدلال کرده‌اند: «طلاق توافقی را از بسیاری جهات نمی‌توان تنها خلع و مبارات دانست؛ چرا که به نظر می‌رسد انگیزه‌ی وضع مقررات مربوط به آن در قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳ و قانون اصلاح مقررات سال ۱۳۷۱، رفع بی‌سروسامانی‌های فراوان ناشی از اعمال خودسرانه حق مردان در طلاق بوده است. آنها زنان خود را طلاق می‌دادند، اما سرنوشت فرزندان مشترک، حضانت، ملاقات و نفقه‌ی آنها و چگونگی ایفای حقوق زن از قبیل مهریه، نفقه‌ی معوقه، نفقه‌ی ایام عده، جهیزیه و بهره‌ی زنان از زندگی مشترک معلوم نبود. فلسفه‌ی وضع این قوانین در واقع برای تعیین تکلیف همه‌ی امور مربوط به خانواده پس از فروپاشی آن بوده است» (مجبی، ۱۳۹۱: ۵۸). این دسته از پژوهشگران طلاق توافقی را پدیده‌ای برای رفع مشکلات پس از وقوع طلاق دانسته و این نهاد را جزء قواعد تکمیلی برشمرده‌اند.

برخی از حقوق‌دانان نیز معتقدند: «نبایستی این طلاق را با خلع و مبارات قیاس کرد یا آنها را از انواع یک جنس شمرد» (صفایی و امامی، ۱۳۸۶: ۱۷۷). استدلال این دسته از اندیشمندان این است که در خلع و مبارات، طلاق یکی از اجزای توافقی می‌شود که زن و شوهر برای انحلال نکاح انجام می‌دهند، زن مالی را به نام «فدیه» به شوهر می‌بخشد و شوهر در برابر این فدیة زن را طلاق بائن می‌دهد، ولی طلاق که به توافق داده می‌شود مانند سایر طلاق‌های رجعی، به وسیله‌ی شوهر یا نماینده‌ی او در محضر انجام می‌شود و در ساختمان حقوقی آن هیچ توافقی دخالت ندارد. در این مورد توافق تنها ممکن است موجب معاف‌شدن شوهر از رجوع به دادگاه و ارجاع امر به داوری شود (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۳۷۲).

برخی از استادان حقوق نیز بیان می‌کنند که می‌توان خلع و مبارات را بر اساس مواد ۱۱۴۶ و ۱۱۴۷ قانون مدنی نوعی طلاق توافقی دانست، ولی اگر زوجین از یکدیگر کراهت نداشته باشند، چنان‌که اصل طلاق که از حقوق مرد است در مقابل بذل مالی، هبه، مصالحه و یا به عنوان شرط ضمن عقد یا ایقاعی الزامی ایجاد کند، این امر از فروع آن عقد تلقی و لازم‌الاتباع خواهد بود (روشن، ۱۳۹۰: ۲۵۵). برخی دیگر نیز معتقدند مقصود از طلاق با توافق در حقوق ما همان طلاق خلع و مبارات است و این طلاق‌ها خود نوعی طلاق توافقی محسوب می‌شوند، چون توافق، مبنا و انگیزه‌ی آن بوده است (صفایی و امامی، ۱۳۸۶: ۲۲۱).

گل محمدی و همکاران در تحقیقی بر روی زوجینی که طلاق توافقی گرفته بودند، نظرات زوجین راجع به گویهی «برای رهایی از زندگی زناشویی حاضرم از حقوق خود بگذرم» را بررسی کردند. براساس نتایج تحقیق میانگین نظرات زوج‌های مطالعه شده ۳/۵۶ از ۵ و در بین زوج‌های مطالعه شده میانگین ۴/۲۵ از ۵ به دست آمد (گل محمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳). نتایج نشان می‌دهد، در بیشتر موارد زنان حاضرند از حق و حقوق خود بگذرند تا رها شوند، درحالی‌که شاید این درخواست رهایی به دلیل کراهت زن از شوهر یا بالعکس نباشد و مسائل جانبی موجب خستگی آنها شده باشد؛ لذا اگر طلاق به عوض مبنای طلاق توافقی و در زمره‌ی طلاق‌های بائن فرض شود، شاید بتوان بسیاری از طلاق‌های ثبت شده‌ای را که فاقد عنصر کراهت بوده و با توافق به وقوع پیوسته‌اند به وسیله‌ی آن توجیه کرد. مشهور فقها توافق در طلاق و طلاق به عوض را نپذیرفته و معتقدند چنانچه طلاق فاقد عنصر کراهت زوجه باشد عوض تملیک نشده و طلاق رجعی است (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۴۳۲). بنابراین به دلیل فقدان پشتوانه‌ی فقهی لازم، نمی‌توان طلاق‌های توافقی‌ای که به دلایلی غیر از کراهت قلبی زوجه از زوج واقع می‌شوند، بائن فرض کرد. البته باید دید جواز رجوع در عده برای زوج در طلاق رجعی و عدم جواز رجوع در طلاق بائن از مقوله‌ی حق است و یا حکم؛ برخی معتقدند رجوع در زمان عده برای شوهر در طلاق رجعی از مقوله‌ی حق است و بنابراین صلح و اسقاط امکان‌پذیر است (نقیبی، ۱۳۹۰: ۶۴). برخی از فقیهان نیز رجوع در عده را برای زوج از قبیل جواز رجوع در عقود جائز و از مقوله‌ی احکام می‌دانند؛ لذا حق یا حکم دانستن رجوع آثار مهمی به دنبال دارد و از همین روی مطمح نظر اندیشمندان قرار گرفته است. ماهیت حقوقی توافق چه برای جدایی و چه برای ازدواج با همسر دوم و چه برای رجوع، یک نوع صلح است و صلح طبق ماده‌ی ۷۶۰ قانون مدنی^۱ از عقود لازم است. بنابراین ماهیت حقوقی طلاق از نظر قانون از صورت ایقاع خارج شده و به صورت عقد درآمده که جز به حکم دادگاه یا توافق طرفین گسستنی نیست (قندهاری، ۱۳۵۴: ۴۷).

به نظر می‌رسد، گرچه طلاق خلع و مبارات از یک جنس‌اند و ماهیت آنها یکی است و از جهتی شبیه عقد هستند - یعنی بر مبنای تراضی و توافق طرفین واقع می‌شوند - باز هم از نوع ایقاع هستند و اراده‌ی یک‌طرفه‌ی مرد است که طلاق را محقق می‌کند (مه‌ریور، ۱۳۷۹: ۱۴۵)؛ چراکه عقد عمل حقوقی یک طرفه‌ای است که با رضایت و قصد انشای دو طرف عقد به وجود می‌آید، اما ایقاع عمل حقوقی یک طرفه‌ای است که با اراده‌ی یک طرف محقق می‌شود و قصد انشای یک

۱. ماده‌ی ۷۶۰ قانون مدنی: «صلح عقد لازم است اگر چه در مقام عقد جائزه واقع شده باشد و بر هم نمی‌خورد مگر در موارد فسخ به خیار یا اقاله»

فرد و رضای او برای تحقق آن کافی است (محقق داماد و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۶). به بیان دیگر عقد عبارت است از تلاقی دو قصد انشایی درحالی که ایقاع برای تحقق نیاز به یک قصد انشایی دارد؛ لذا در طلاق توافقی طرفین موافقت می‌کنند که مقدمات وقوع آن قصد و اراده‌ی واحد را به وقوع نزدیک گردانند. همچنان که ماده‌ی ۲۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ مقرر می‌دارد: «در صورتی که طلاق توافقی به درخواست زوج باشد، دادگاه به صدور گواهی عدم امکان سازش اقدام و اگر به درخواست زوجه باشد، حسب مورد، مطابق قانون به صدور حکم الزام زوج به طلاق یا احراز شرایط اعمال وکالت در طلاق مبادرت می‌کند».

در هر حال برای خلع و در نتیجه باین دانستن طلاق توافقی، دادگاه قبل از صدور رأی در اجرای ماده‌ی ۱۱۴۶ قانون مدنی وظیفه دارد کراهت زوجه را احراز کند و بذل مال اعم از اینکه کمتر و یا مازاد بر مهریه باشد به تنهایی دلیل بر کراهت زوجه از زوج نیست، چون چه بسا زوجین برای قصد خاصی طلاق به نحو خلع را انتخاب می‌کنند (شریفی، ۱۳۹۳: ۸). به اعتقاد برخی اندیشمندان چون کراهت و یا تنفر امری غیرمادی و به عبارتی قلبی است و عمل مادی که همان بذل مهریه است می‌بایست از آن ناشی شده باشد و دادگاه از بذل مهریه، کراهت زن را احراز می‌کند تا تعیین نوع طلاق به خلع، وجاهت شرعی و قانونی یابد و معمولاً با سؤال و جواب و مصاحبه با زوجه می‌توان به نتیجه رسید (محقق داماد و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۶)، اما با توجه به رویه‌ی قضایی حاکم بر رویداد طلاق‌های توافقی که گاه در کمتر از یک ماه تمامی مراحل ثبت دادخواست و رجوع به محکمه و در نهایت صدور گواهی عدم امکان سازش انجام می‌شود، به نظر نمی‌رسد که در تمامی موارد طلاق‌های توافقی کراهت دو طرفه و یا حداقل از طرف زوجه در کار باشد تا بتوان آن را از نوع مبارات و یا خلع دانست و در نتیجه بنا بر اصل اولی در طلاق که رجعی بودن آن است حق رجوع برای زوج در ایام عده باقی می‌ماند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با عنایت به آنچه در این مقاله بیان شد، می‌توان موارد زیر را به عنوان یافته‌های این پژوهش قلمداد کرد:

۱. طلاق به عنوان پدیده‌ای که باعث جدایی میان دو نفر می‌شود، امری مشترک در همه جوامع است؛ اما شناخت آن پیچیدگی‌های بسیار دارد و همین پیچیدگی‌ها، مطالعه‌ی آن را دشوار کرده است. گرچه از هم‌گسیختگی نهاد خانواده بسیار تأسف بار است، اما اگر حفظ آن به ارتکاب حرام و یا ضرر منجر شود، این مبعوض‌ترین حلال، جایز و گاهی واجب می‌شود. در

این شرایط توافق در طلاق می‌تواند از بروز بسیاری از آسیب‌های ناشی از این جدایی بکاهد. در واقع اگر این توافق بر مبنای حقوق متقابل زوجین و از روی اختیار و به انتخاب طرفین باشد، می‌تواند مصداق بارزی از رعایت اخلاق‌مداری طبق مفاد آیات طلاق و توصیه‌های ارزشمند ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) باشد.

۲. در طلاق توافقی بر احراز کراهت از جانب زوجه از سوی قاضی موقوف است که در این صورت طلاق بائن و در غیر این صورت حتی با وجود بذل فدیة، طلاق رجعی محسوب می‌گردد؛ چرا که ماهیت اصلی طلاق یا اصل اولی در مورد طلاق، رجعی بودن آن است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. بنابراین در طلاق توافقی قطعیت اثر صیغه‌ی طلاق را می‌توان محدود به انقضای مدت عده فرض کرد تا بدین ترتیب زوج امکان رجوع از تصمیم خود را داشته باشد. پذیرش این فرض ضمن اینکه از منظر مقصدشناسی شارع تقویت می‌شود، برای جلوگیری از انحلال کامل خانواده مناسب‌تر بوده و به اصول و مبانی استحکام خانواده نزدیک‌تر است.

۳. باید توجه داشت که در طلاق توافقی، توافق طرفین به عنوان مبنای طلاق و اجرای آن استفاده می‌شود و هیچ‌گاه در ماهیت عمل حقوقی طلاق (که به صورت ایقاع و در اراده و ید مرد است) دخالت ندارد. بنابراین نباید چنین پنداشت که طلاق توافقی در زمره‌ی عقود است. ۴. از جمله آثار طلاق توافقی می‌توان احتمال بازگشت به زندگی زوجینی را در نظر گرفت که در راستای توافق، سعی در راضی کردن طرف مقابل داشته و در اصطلاح پل‌های پشت سر خود را خراب نکرده‌اند. چه بسیار زوجینی که پس از طلاق پشیمان شده، اما به دلیل شکسته شدن حریم‌ها و ریخته‌شدن حرمت افراد، راهی برای بازگشت نیافته‌اند. بی‌تردید یکی از حکمت‌های توصیه‌ی قرآن کریم به «تصریح باحسان» همین مسئله است. از دیگر آثار طلاق توافقی می‌توان به وضعیت مطلوب‌تر فرزندان به نسبت طلاق‌هایی اشاره کرد که کشمکش و جدال والدین بر سر احقاق حقوق مالی و غیرمالی آن دو در جریان فرایندهای قانونی، کودکان طلاق را با تعارض‌های شدید مواجه می‌کند.

پیشنهاد‌های راهبردی

رویه‌ی قضایی کنونی با توجه به ثبت طلاق خلع در احکام طلاق‌های توافقی صادره این امکان را فقط به زوجه می‌دهد که در صورت رجوع به فدیة، طلاق را از نوع رجعی کند؛ این در حالی است که اصل حمایت از کانون خانواده ایجاب می‌کند اصل در طلاق رجعی بودن آن باشد. ضروری است درباره‌ی طلاق‌های توافقی رویه‌ی جامع‌تری در دستور کار قضات قرار گیرد؛ لذا پیشنهاد

می‌شود در فرم دادخواست طلاق، قسمتی در نظر گرفته شود تا زوجین به این سؤال پاسخ دهند که «آیا علت و یا انگیزه‌ی شما به دلیل کراهت و انزجار پیش آمده از یکدیگر است و یا خیر؟» و در صورت مثبت بودن پاسخ از ایشان خواسته شود به صراحت ذکر کنند که کدام یک از دیگری کراهت دارند. همچنین سردفتران طلاق نیز مکلف شوند موضوع کراهت و انزجار طرفینی و یا یک طرفه را احراز کرده و در طلاق‌نامه ذکر کنند. بدین ترتیب چنانچه کراهت زوجه و یا زوجین احراز نشود، حکم طلاق توافقی صادره از نوع رجعی ثبت شود تا براساس شرع اسلام حق رجوع برای زوج باقی بماند. شاید فلسفه‌ی چنین طلاق‌ی زمان دادن به زوجین بعد از طلاق برای فرصت دادن به خود و امکان تغییر تصمیم در شرایط بهتر و با آرامش بیشتر باشد. چه بسا زوج پیش از سپری شدن زمان عده پشیمان شده و مال بذل شده‌ی توافقی را به زوجه پس داده و با عطفی بیش از پیش به زندگی زناشویی ادامه دهند.

منابع

- ◀ قرآن کریم.
- ◀ قانون مدنی با آخرین اصلاحات همراه با قانون مسئولیت مدنی.
- ◀ ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ ق. لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
- ◀ احمدیه، مریم و جمشید جعفرپور، ۱۳۸۰. طلاق به درخواست زن؛ به درخواست شوهر. تهران: سفیر صبح.
- ◀ اسدی، لیلیا سادات و فریده شکری، ۱۳۹۴. آئین دادرسی امور و دعاوی خانوادگی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ◀ اسدی، لیلیا سادات. «نقد قانون و رویه قضایی در محاکم»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۲۶، (۱۳۸۳).
- ◀ اکبری جدی، مریم، بررسی فقهی حقوقی طلاق توافق و خاأهای قانونی آن، (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان)، به راهنمایی دکتر فریبا حاجیعلی، (تهران، دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، ۱۳۹۴).
- ◀ بخارایی، احمد، ۱۳۸۶. جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران، تهران: آفتاب.
- ◀ پناهنده، سید علی محمد. «بررسی ماهیت حقوقی و عناصر و ارکان طلاق خلع و مبارات»، دادرسی، ش ۶۶، (۱۳۸۶).
- ◀ ثمنی، لیلیا، ۱۳۹۰. حقوق غیر مالی زوجین از دیدگاه مذاهب خمسسه، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- ◀ حکمت‌نیا، محمود، ۱۳۹۰. حقوق زن و خانواده، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ◀ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۸۷. ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه‌ی غلامرضا خسروی حسینی، تهران، المکتبه المرتضویه لإحياء آثار الجعفریه.
- ◀ رحمانی، مهدی، حمید ابهری و علی اکبر ایزدی فر. «بررسی حقوقی اثر نشوز زوجه در تحقق وکالت وی در ازدواج مجدد زوج»، مطالعات راهبردی زنان، دوره نوزدهم، ش ۷۶، (تابستان ۹۶).
- ◀ رفسنجانی مقدم، مصطفی و علی محمدیان. «پژوهشی پیرامون ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی؛ تکلیف زوجین نسبت به حسن معاشرت با یکدیگر»، مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۸، ش ۷۰، (زمستان ۱۳۹۴).
- ◀ روشن، محمد، ۱۳۹۰. حقوق خانواده، تهران: جنگل.
- ◀ ساروخانی، باقر و علیرضا قاسمی. «بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر طلاق توافقی در شهرستان کرمانشاه»، زنان و خانواده، ش ۲۱، (زمستان ۱۳۹۱).
- ◀ شریعتی، الهام و مرضیه ولی حصار، ۱۳۹۶. حقوق جنسی زوجین در فقه و حقوق موضوعه، تهران: خرسندی.

◀ شریفی، علیرضا و شهریار عزیزی. «بررسی علل حقوقی ترویج طلاق توافقی»، همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی پدیده طلاق، سقز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سقز، (۱۳۹۳).

www.civilica.com

◀ صفایی، سید حسین و اسدالله امامی، ۱۳۸۶. حقوق خانواده، تهران: دانشگاه تهران.
 ◀ طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۴۲۱ ق. جوامع الجامع، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
 ◀ عاملی (شهید ثانی)، زین الدین، ۱۴۱۰ ق. الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة، قم: کتابفروشی دآوری.

◀ قربانی، مریم. «مقایسه ویژگی‌های شخصیتی، بهزیستی روان‌شناختی و نگرش مذهبی در میان زوجین متقاضی طلاق توافقی و غیرتوافقی مطالعه موردی: دادگاه‌های خانواده و مراکز مشاوره خانواده (شمال و جنوب شهر تهران)»، سومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم رفتاری. تهران، موسسه اطلاع‌رسانی نارکیش، ۱۳۹۴.

www.civilica.com

◀ قرشی بنابی، علی اکبر، ۱۳۷۱. قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ◀ قندهاری، محمد حسین. «بحثی در اطراف قانون جدید حمایت خانواده». مجله کانون وکلا، ش ۱۳۱، (۱۳۵۴).

◀ کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۴. دوره حقوق مدنی - خانواده: نکاح و طلاق، روابط زن و شوهر، تهران: شرکت سهامی انتشار.

◀ کریمی نیا، محمد مهدی. «طلاق توافقی از گذشته تاکنون با توجه به قوانین». دادرسی، ش ۸، (۱۳۷۷).

◀ گل محمدی، علیرضا، حسن قربانی، مجتبی سلطانی و علی وقاری شورجه. «سیاست‌های اجتماعی در زمینه کنترل و کاهش طلاق توافقی»، اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی، قم، انجمن علمی پدافند غیرعامل ایران، شرکت پنام خط نوین، (۱۳۹۳).

www.civilica.com

◀ محبی، مرضیه. «طلاق توافقی؛ ماهیت و آثار»، وکیل مدافع، ش ۵، (تابستان ۱۳۹۱).
 ◀ محقق داماد، سید مصطفی و دیگران، ۱۳۹۰. حقوق قراردادها در فقه امامیه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

◀ محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۸۴. بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران: علوم اسلامی.
 ◀ مشکینی، علی، ۱۴۳۱ ق. مصطلحات الفقه و اصطلاحات الاصول، بیروت: منشورات الرضا.
 ◀ مهرپور، حسین، ۱۳۷۹. مباحثی از حقوق زن از منظر: حقوق داخلی، مبانی فقهی و موازین بین‌المللی...، تهران: اطلاعات.

◀ میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد، ۱۳۷۱. جامع الشتات، تهران: کیهان.

◀ نجفی جواهری، محمد حسن، ۱۹۸۱ م. *جواهرالکلام*، تصحیح محمد قوچانی، بیروت.
◀ نقیبی، سیدابوالقاسم. «قواعد اختصاصی فقه خانواده و کاربرد آن در قانون مدنی»، فقه و حقوق خانواده، ش ۵۵، (۱۳۹۰).
◀ نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ ق. *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث.
◀ نیازی، محسن، الهام شفقائی مقدم، موسی سعادت‌ی و حسن منتظری. «بررسی ماهیت، موارد حقوقی، رویکردها، مزایا و معایب طلاق توافقی»، اولین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران، تهران، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین، (۱۳۹۴).

www.civilica.com.

- www.khamenei.ir (96/10/20).
- www.mehrkhane.com (96/6/2).
- www.sabteahval.ir (96/5/31).